

و آسمان با ما تازی کدو زنجیران از نماز فارغ شدیم و دیدیم که یک مرغ سبز عظیم الحلقه
 از میان ایشان فرود آمد و زیر پای تابوت وی بنشست و تابوت او را فرود برد و بار بزرگ
 مرغان پیوست و همه تسبیح گویند که پرند ناظر ما غایب شدند از آن حال آنجست
 کردمان مرده کشته اما معنی آن ادواج الشهاده فی جوف طیر خضر تسرح من الجحیم حیث
 نشاءت هم شهاده السیوف و اما شهاده الحیة فکلهم اجسادهم و اولی جهم
 فی جوف طیر خضر و هذا الرجل شهیر باعمر من یبنا زینب ان بود مار از من فالحیة و
 آمد از میان ایشان را بر بردند و آنگون دریا زارها را فضا فی نیند و بران ذلت با ت
 می کنند و براد بو ایست مشتعل بر عیون معارف و فون لطیف که یکی از قضایا و قضیه
 تا میه است که هفتصد و پنجاه بیت است که پیش و آنچه بعد از سیر و سلوک تا مردوب
 قضیه از علو و بدینیه و معارف نفسیه از ذوق خود و از اذواقا ملان اولیا
 و اکابر محققان جمع کرده است در چنین نظمی لایق فایده کشته اند که کسی بگریز مینیس
 سنت شیخ رضی الله عنه فرموده است که چون قضیه نامیه کشته شد رسول با صلوات الله
 علیه و سلم تجواب دیدم فرمودند که با عمر ما سمیت قضیه تک گفتیم با رسول الله ترا جلیج
 الجنان و در واقع الجنان تا مر کرده او فقال رسول الله صلوات الله علیه و سلم و حکایت
 کرده اند از اصحاب وی که گفتن وی این قضیه را نه بر عاده شعر بود بلکه کاه و بر جلیج
 می رسید و روزها هفت ده روز که پیش انجاس خود غایب شد چون بخود حاضری
 شد اما را ببگرد پندت با چهل بیت یا پنجاه آیه خدا و ندا ز عین بر وی فتح کرده بود و
 ان

۹۹
 ۹۸
 ۹۷
 ۹۶
 ۹۵
 ۹۴
 ۹۳
 ۹۲
 ۹۱
 ۹۰
 ۸۹
 ۸۸
 ۸۷
 ۸۶
 ۸۵
 ۸۴
 ۸۳
 ۸۲
 ۸۱
 ۸۰
 ۷۹
 ۷۸
 ۷۷
 ۷۶
 ۷۵
 ۷۴
 ۷۳
 ۷۲
 ۷۱
 ۷۰
 ۶۹
 ۶۸
 ۶۷
 ۶۶
 ۶۵
 ۶۴
 ۶۳
 ۶۲
 ۶۱
 ۶۰
 ۵۹
 ۵۸
 ۵۷
 ۵۶
 ۵۵
 ۵۴
 ۵۳
 ۵۲
 ۵۱
 ۵۰
 ۴۹
 ۴۸
 ۴۷
 ۴۶
 ۴۵
 ۴۴
 ۴۳
 ۴۲
 ۴۱
 ۴۰
 ۳۹
 ۳۸
 ۳۷
 ۳۶
 ۳۵
 ۳۴
 ۳۳
 ۳۲
 ۳۱
 ۳۰
 ۲۹
 ۲۸
 ۲۷
 ۲۶
 ۲۵
 ۲۴
 ۲۳
 ۲۲
 ۲۱
 ۲۰
 ۱۹
 ۱۸
 ۱۷
 ۱۶
 ۱۵
 ۱۴
 ۱۳
 ۱۲
 ۱۱
 ۱۰
 ۹
 ۸
 ۷
 ۶
 ۵
 ۴
 ۳
 ۲
 ۱

معنی حسن که تصدیق کرده قضیه
 را در میان مشایخ صوفیه و غیر
 ایشان از فضلا رعایا

نهاد پس گفت رسول الله صلی الله علیه و سلم
 ان نام مکن بلکه نام کن ان قضیه را
 نظم الشکرک بلس نام کردم از اظام الشکر

بزرگ آن می کرد تا آنوقت که مثل آن حالت معاودت کردی شیخ شمس الدین ابی رحمة الله کار
 اصحاب شیخ صدر الدین قوی بنوی است و قدس الله تعالی سره و شیخ الشیوخ وقت خود بود
 گفته است در مجلس شیخ ما یعنی شیخ صدر الدین و علما و طلبه علوم حاضر می شدند و در
 انواع علوم سخن می گذشت و خشمش مجلس ترسبنا از قضیه نظم السلوک می شنیدند
 شیخ بران زبان عجمی سخنان غریب و معانی لدنی می فرمودند که هجران شواستی بود که
 کسی که از اصحاب ذوق بودی و که بودی که در دوزخ بگریختی که در آن پندت معنی بود
 برهن ظاهر شده است و معنی عربی تو در قیود قیود ترا بیشتر بگفتی و در بیان می فرمود که
 صوفی طلبه که این قضیه را یاد کرد و با کسی که فهم آن کند و معانی او را شرح کند و هم
 شیخ نفس الدین گفته است که شیخ سعید فرغانی نمایی همت خود را بر فهم این شیخ حضرت
 شیخ فرمود و آورده بود و ترا تعلیم می کرد و الا از اضراب می شرح کرد و تا نیا بود
 و آن همه از بركات انقاس حضرت شیخ ماست شیخ صدر الدین قوی سر شیخ زهران
 الدین از ابراهیم جعبری رحمه الله تعالی گفته است که در ابواب جعبر در سیاحت بود و
 حدیث الهی را در حدیث و حدیث می کرد که هر دو می چون بر خطاطی بگشت و این بیت
 می خواند فلم یهولنی ما لمررتک من و فانیما و لرغز ما لرختلی فیکه صورتی
 دانستم که آن نفس مجتهد است در پی وی می جست و بر او بگریستم و گفتیم این نفس را بجا
 بود سیده است گفت این انقاس را در در شرف الدین این انقاس را در دست هشتم وی
 اکنون بگذاشت گفت پیش از آن نفس بودی و تا اینجا می شنیدم و آنگون از اصحاب مصر

معنی عاشق و محبت ذات من که می توانی بگریز کرد
 ذات من تا فی ارضی و مسست فنا و ذرات مرا که می
 مسرر کرد که صورت وحدت من روزی با هر فرد
 بوجهی که از امانت تو می جویم با فی نما که می